



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۰۱ اگست ۲۰۲۳

انارگل خوستی

به ادامه سفسطه گویی های آقای ملکیار در مورد هنرمند محبوب

احمد ظاهر و بالاخره عکس العمل هموطنان

قسمت پانزدهم

از محترم واحد حیدری از سدنی:

تهمت و افترا داود ملکیار بالای مرحوم احمد ظاهر که با دختران زیر سن روابط جنسی داشته از نگاه قانونی قابل پیگیری است. در دین مقدس اسلام این نوع اتهامات شدیداً منع شده و مدعی در صورت که شاهدان عینی به تعداد ۴ نفر را حاضر نکند، محکوم به جزای سنگین می باشد.

جوابیه آقای ملکیار از کلیفورنیا:

به جواب عبد الواحد حیدری نگاشته می شود اینکه:

من با نقل قول از دیگران به نوشتن این راپور پرداخته ام و ممکن است گاهی اشتباه کنم، چنانچه محبوب الله پاچا بعد از مطالعه قسمت دوازدهم نوشته من با من تماس تلفونی گرفته و گفت که در تخمین سن آن دو خواهر کمی اشتباه شده است. زیرا خواهر خورد هنوز در مکتب بود شاید هژده ساله و خواهر بزرگ مکتب را خلاص کرده بود ممکن بیست یا بیست و یک ساله بوده باشد.

به این اساس چون هر قسمت این نوشته با یک روز تفاوت در سایت آریانا منتشر می گردد، لذا این قسمت نوشته بعد از صحبت با محبوب الله پاچا فوری اصلاح گردیده و شکل اصلاح شده آن به سایت آریانا ارسال گردید.

اما در مورد اعتراض واحد حیدری به ارتباط زیر سن بودن دختر ها باید خاطر نشان گردد که به اساس کتاب های متعدد تاریخی پیشوای اسلام با حضرت عایشه ۹ ساله ازدواج کرده بود. لذا اگر واحد حیدری در این مورد اعتراض و عریضه داشته باشد، بهتر است آن را با رفقای طالب خود ارسال نموده و تقاضای بازخواست و فتوای لازم را بنماید.

هموطنی دیگری به نام محترم نعیم رسول از آلمان:

جناب حیدری سلام

فرموده شما کاملاً "بجا، نمی دانم که جناب ملکیار با نشر همچو نظرات چه را می خواهد ثبوت نماید. در این چندین بخش به جز گزارش از زندگی شخصی مرحوم احمد ظاهر، کدام چیزی دیگر را نتوانسته به اثبات برساند.

بدون تحقیقات اصولی و معاینه طب عدلی هر نوع گزارش ناقص است.

بهتر است که جناب ملکیار وقت گرانبهای خویش را صرف یک موضوع نمایند که به اثبات رسانیده بتواند.

جواب محترم عبدالواحد حیدری:

یک حکایت قدیم در بین مردم ما در افغانستان موجود است که شخصی بسیار آرزو داشت که زود مشهور شود اما توان این شهرت را در وجود خود نمی دید لذا از ابلیس کمک خواسته بود و مشوره ابلیس این بود، تا وی در مسجد قریه برود و در آن قضای حاجت کند. با انجام این کار شخص برای نسل ها مشهور و سر زبان ها شد.

یک بار جستی ملخک، دو بار جستی ملخک، آخر بدستی ملخک.

با این بی احترامی به رسول خدا چهره اصلی خود را نمایان ساختی.

محترم آقای نورانی از اروپا:

از آقای ملکیار می پرسند:

ضرور میدانم من حیث یک فرد افغان چند نکته در باره نابود کردن احمد ظاهر بنویسم:

چرا حادثه قتل یا مردن چنین یک شخص مشهور از طرف حکومت وقت دقیق تحقیق و بررسی مسلکی نه شد؟

چرا آن دو دختر که در سفر سالنگ با مرحوم احمد ظاهر و موتروان محبوب الله همرا بودند، تا حال در زمینه خاموش اند، از ایشان می خواهیم، حد اقل پیش شده، اینقدر توضیح کنند که بعد از دخول به دره سالنگ چه واقع شد؟ موتروان محبوب الله در کدام حالت بود؟ و دقیق وقتی موتر به دیوار سمندی پل بر خورد، چطور یک احمد ظاهر جابجا جان داد و شما دو دختر و موتروان زنده و سلامت ماندید؟

محترم آقای نورانی:

با سلام مجدد به آقای ملکیار ، فردای کشته شدن احمد ظاهر اول صبح با یک دوست به منزل شان رفتیم و جسد آحمدظاهر را به چشم خود دیدم که یک قسمت شقیقه اش نبود و جایش را بنداز پر کرده بودند تا شکل صورت حفظ شود. شما که موتر را معاینه کردید چطور این موضوع را توضیح می کنید . البته با حفظ این حقیقت که احمد ظاهر در سیت پشت سر نشسته بود. شما چه نوع موتر را با چه نوع صدمه دیدید؟

عبدالله از سویدن: با عرض سلام خدمت جناب ملکیار صاحب ، من با تیوری های شان در مورد قتل احمد ظاهر موافق نیستم .

در مورد ۸ نکته یی که شما به عنوان دلیل « کشته نشدن احمد ظاهر » آورده اید ، ۶ نکته یی آن فقط تخیل شماست. چون در آن جا فقط چهار تن وجود داشت و شما در آن جمع نبودید. که با اطمینان بگوئید کی تصمیم رفتن به قرغه را گرفت کی دنبال دختر ها رفت ووو. نظر شما فقط یک حدس یا بر اساس یک داستان شخص سوم است . به هیچ وجه نمی تواند سند شود.

سوال اصلی این است که اگر واقعا مرگ احمد ظاهر (چنانکه شما ادعا دارید) اتفاق افتیده بود، چرا رژیم بخاطر ثبوت عدم دخالتش، محبوب الله یا یکی از دختران را به تلویزیون نیاورد تا « حقایق » را به مردم بیان کنند؟ عقل سلیم حکم می کند، رژیمی که هر روز بر مخالفینش افزوده می گشت به هیچ قیمت نمیخواست با اتهام کشتن محبوبترین هنرمند، نفرت مردم را به خود زیادتز کند.

دو دیگر، در آن زمان شاید بشما معلوم باشد که گرفتن پاسپورت و ویزه برای مردم عادی تقریبا ناممکن بود . ولی پاسپورت محبوب الله را در خانه برایش تسلیم کردند.

سوم اگر تیوری شما درست بود، چرا خود محبوب الله با یکی از دختر ها در هیچ رسانه یی حاضر نشدند و حقایق را بیان نکردند.

در مورد گفته های برادر احمد ظاهر، گمان کنم اگر کسی کمی در مورد ترور و اختناق آن زمان معلومات داشته باشد، هیچگاهی، با در نظرداشت موقف پدر احمد ظاهر و در کل خانواده شان، جواب های غیر از آن را توقع نباید کند.

آقایان محترمیکه در شروع داستان نویسی آقای ملکیار سوال ها را برای شان راجع ساختند، مانند محترم نورانی و محترم عبدالله، آقای ملکیار برای شان خاطر نشان ساخته بود که در یک یا دو مضمون دیگر راپورش تکمیل خواهد شد و آن ها جوابات خود را حاصل خواهند کرد. مگر تا حالا

که نام خدا به چهارده قسمت رسیده، نتنها کسی جواب دریافت نکرده است، بلکه سفسطه گویی های آقای ملکیار شکل افتراء را بخود اختیار نموده است.

از مضمون اول تا به این آخری غیر از چرنديات ديگر چیزی از مضامينش حاصل نگردیده است. به گفته هموطن آقای حیدری برای مشهور شدن کدام راه دیگر را انتخاب نمائید، شما با این دروغ پرانی و جفنگ گویی غیر از این که احساس فامیل شهید احمد ظاهر و هواداران و اکثریت قاطع نفوس افغانستان عزیز را جریحه دار بسازید، کدام شهرتی به دست نمی آورید.

آقای ملکیار فکر می کنند که همه مردم افغانستان از سواد کافی برخوردار نیستند، فلذا هر چه از دهن شان می براید توسط آن روی کاغذ را سیاه می کنند و شاهد شان کسی دیگری نیست به غیر از محبوب الله پاچا و حالا نوبت به دو دختر و مامای دختران رسیده است. چطور شما فکر می کنید که شهادت دستیاران و شاملین دسیسه مورد قبول هموطنان واقع خواهد گردید؟ قصه مامای آن دو دختر هم بعداً به فراموشی سپرده شد و آن شخص هرگز حاضر نشد تا به سوالات جناب ملکیار پاسخ دهد.

در جوابیه تان برای آقای حیدری نوشته اید که بعد از نشر قسمت دوازدهم مضمون من (آقای ملکیار)، محبوب الله تیلیفون کرد و در مورد سن دختران معلومات داد.

براستی که کسیکه دروغ می گوید حافظه اش نیز مختل می شود زیرا در ابتدا نوشته بودید از قول دوست تان محبوب الله پاچا:

یک - که محبوب الله پاچا دختران را نمی شناخت.

دو - از شروع همیشه از دختران زیر سن حرف زده می شد.

سه - وقتی منطق همایتان یاری نکرد، بالای پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) خیز می زنید.

بکوشید که خدا را حاضر ببینید و از این زیادتیر مردم آزاری نکنید.

یک مرتبه چیزیکه اعیان بود، گرچه حاجت به بیان نبود، اما شهید میوندوال چون نزد اکثریت قاطع مردم جایگاه بلند داشت، کتابی نوشتید و همه استقبال کردند.

اما اگر فکر می کنید که می توانید با تکرار افسانه سرمگسک قصه هنرمند شهید احمد ظاهر و آن هم از زبان کسانیکه در دسیسه شامل بودند؛ داستان نویسی کنید، فکر نمی کنم که داستان خیالی تان خریدار داشته باشد.

به گفته هموطن دیگری به نام محترم نعیم رسول " نمی دانم که جناب ملکیار با نشر همچو نظرات چه را می خواهد ثبوت نماید. در این چندین بخش به جز گزارش از زندگی شخصی مرحوم احمد ظاهر، کدام چیزی دیگر را نتواسته به اثبات برساند."

هدف شما دانسته نشد، بگذارید که روح آن هنرمند محبوب و بی بدیل آرام و شاد باشد.